

## عوامل مؤثر بر موفقیت شرکتهای تعاونی روستایی (منطقه‌ی دشت آزادگان استان خوزستان)

بهمن خسروی‌پور<sup>۱</sup>، صالح عبدالهی سعیدی<sup>۲</sup>، محمد آقاپور صباغی<sup>۳</sup>، رقیه یوسفی حاجیوند<sup>۴</sup>

B.Khosravipour@gmail.com

۰۹۱۲۵۹۵۴۰۵۱

۰۶۱۱- ۴۴۳۶۵۰۹

خوزستان. اهواز. زیتون کارمندی. خیابان بوعلی. پلاک ۳۶.

---

<sup>۱</sup> استادیار دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

<sup>۲</sup> دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی مدیریت کشاورزی

<sup>۳</sup> استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

<sup>۴</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

## چکیده

شرکت‌های تعاونی روستایی با توجه به حجم بالای اعضای زیرپوشش، زندگی بخش عظیمی از جمعیت روستایی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از این رو، موفقیت این تشکل‌ها می‌تواند سهم بسزایی در کاهش فقر و بهبود شرایط زندگی روستاییان کشور داشته باشد. هدف کلی این مطالعه شناسایی عوامل مؤثر بر موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی منطقه‌ی دشت آزادگان در استان خوزستان می‌باشد. جامعه‌ی آماری: مدیران عامل و اعضای هیئت مدیره‌ی پنج شرکت تعاونی بودند که جمعاً ۷۵ نفر را شامل می‌شد. نوع تحقیق، کاربردی و جمع‌آوری اطلاعات به روش سرشماری و استفاده از پرسشنامه و مطالعات کتابخانه‌ای انجام شد. روایی پرسشنامه توسط استادان و متخصصین رشته‌ی ترویج و آموزش کشاورزی و برخی کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی و پایایی آن نیز با محاسبه‌ی میزان آلفای کرونباخ (۷۰٪) تأیید شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با کمک نرم‌افزار SPSS انجام و یافته‌ها نشان داد اکثریت پاسخگویان، عملکرد شرکت تعاونی روستایی خود را موفق ارزیابی کردند؛ ضمناً ارائه‌ی اعتبارات مناسب از تعاونی‌ها، مسئولیت‌پذیری بالا و تجربه‌ی عملی و اجرایی مدیرعامل نیز از جمله مهم‌ترین اولویت‌های مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های روستایی از دید افراد نمونه‌ی مورد بررسی بود.

**واژگان کلیدی:** شرکت‌های تعاونی روستایی، دشت آزادگان، موفقیت تعاونی، توسعه‌ی روستایی

## Abstract

Rural Cooperatives Due to the high volume of coverage, live large part of the country's rural population are affected. So It can successfully organize a major contribution to reducing poverty and improving living conditions of villagers. The overall objective of this study was to Finding the Key Factors Leading to the Success of Corporative Companies in Dasht Azadegan. Statistical Society: Managing Director and five co-board members who were in total 75 patients. Type of research, application and data collection method and use of census questionnaires and literature review was conducted. Its validity by professors and experts in the field of Agricultural Extension and Education and , some experts of Agriculture Organization and Its reliability by calculating Cronbach's alpha levels (70%) were confirmed. Data analysis was performed with the help of SPSS software, Results showed that the majority of respondents, their successful performance of cooperatives in rural. The findings, variables influencing the success of rural cooperatives in five factors: educational - promotional, financial, managerial, entrepreneurial and policy were classified.

**Keywords:** Rural Cooperatives, Dasht Azadegan, successful cooperatives, rural development

## مقدمه

توسعه‌ی روستایی یعنی بهبود کیفیت زندگی همه‌ی مردم ساکن روستاها به‌ویژه اقشار کم‌درآمد که این امر محقق نخواهد شد مگر از طریق بهبود وضعیت کشاورزی، بهداشتی، تکنولوژی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و نیز تقویت ساختارهای مشارکتی در جامعه. در عین حال نواحی روستایی دربرگیرنده‌ی نیمی از جمعیت کشورهای در حال توسعه هستند که از نظر فقر، سوءتغذیه و سواد، آسیب‌پذیرترین بخش از جمعیت جهان به‌شمار می‌آیند. بی‌تردید رفع معضلات این جمعیت عظیم تنها از طریق برنامه‌ریزی آگاهانه‌ی توسعه‌ی روستایی امکان‌پذیر است که در این بین، به‌نظر می‌رسد توجه به مقوله‌ی تعاون و کارآفرینی روستایی، تا حد زیادی می‌تواند در رفع مشکلات موجود در این رابطه به دولت‌ها یاری رسانده و مسیر توسعه‌ی ملت‌ها را هموار سازد (فاضل‌بیگی، ۱۳۸۸).

در جوامع روستایی ایران، پس از اجرای قانون اصلاحات ارضی دهه‌ی ۱۳۴۰، تلاش‌های فراوانی جهت توسعه‌ی اقدامات مشارکتی در سطح روستاها صورت گرفت که در این میان، شرکت‌های تعاونی روستایی نمونه‌ای از واحدهای مشارکتی کشاورزی بوده و هستند (ازکیا، ۱۳۸۱). در واقع این شرکت‌ها، نوعی شرکت‌های تجاری-خدماتی هستند که در سطح یک یا چند روستا فعالیت دارند و اعضای تعاونی را در محدوده‌ی جغرافیایی خود متشکل می‌سازند تا زمینه‌ی مشارکت آن‌ها را در امور کشاورزی، فرهنگی، بهداشتی و غیره در روستا فراهم آورند. این شرکت‌ها زیر نظر سازمان تعاون روستایی بوده و بر اساس اصول تعاونی‌های فعالیت می‌نمایند (پراکاش، ۲۰۰۳).<sup>۵</sup>

امروزه اشکال مختلف تعاونی‌ها در روستاها (شامل: تعاونی‌های تولید روستایی، تعاونی‌های کشاورزی و شرکت‌های تعاونی روستایی) یک اهرم قدرتمند اجتماعی-اقتصادی در عرصه‌ی توسعه‌ی روستایی کشور محسوب شده و از ظرفیت‌های ارزشمند و فراوانی برای پیشبرد جریان توسعه‌ی کشاورزی و روستایی و به تبعیت از آن، توسعه‌ی کلان کشور برخوردار هستند (براتون، ۲۰۰۶).<sup>۶</sup>

ازکیا (۱۳۸۱)، علل عدم موفقیت تعاونی‌های روستایی را به دو گروه مسائل بیرون‌سازمانی و مسائل درون‌سازمانی تقسیم‌بندی نموده است. وی مسائل بیرون‌سازمانی را شامل مواردی نظیر: سیاست‌های غلط اعتباری دولت، عدم توجه به بازاریابی و بیمه‌ی محصولات کشاورزی، سیاست‌های غلط قیمت‌گذاری، عدم توجه به آموزش و ترویج کشاورزی، واگذاری وظایف غیرمرتبط به تعاونی‌های روستایی، سیاست نادرست دولت در تشکیل تعاونی‌های روستایی، فقر مالی اعضا و وابستگی به احزاب می‌داند. در مقابل مواردی چون: تصمیم‌گیری متمرکز، عدم وجود هماهنگی بین سازمان‌های اعتباری رسمی، عدم نظارت بر مصرف وام‌ها، عدم همکاری و قبول مسئولیت از سوی اعضا و ضعف مدیریت را از جمله عوامل درون‌سازمانی برمی‌شمارد.

<sup>5</sup> Prakash, 2003

<sup>6</sup> Bratton, 2006

طالب (۱۳۸۲)، مسئولیت اجتماعی را مهم‌ترین انگیزه برای موفقیت تعاونی‌ها می‌داند. چرا که اگر اعضای تعاونی‌ها، مسئولیت شرایط موجود خود و اجتماع مربوط را بپذیرند، فعالانه در آن شرکت خواهند کرد. امیرانی و ظریفیان (۱۳۸۲) در پژوهش خود، مهم‌ترین مانع توسعه‌ی سازمان‌های غیردولتی (از جمله تعاونی‌های روستایی) در کشور را فقدان فلسفه‌ای می‌دانند که اساس و زیرساخت فرهنگی اقدامات مشارکت‌جویانه می‌باشد. به عبارت ساده‌تر، آن‌ها عامل فرهنگی را مشکل اصلی موفقیت چنین تشکلهایی برمی‌شمارند.

یافته‌های تحقیق رضایی‌مقدم و قیصری (۱۳۸۷)، نشان داد که مواردی نظیر: کمبود اعتبارات، بنیه‌ی مالی ضعیف و سرمایه‌ی ناکافی اعضا، عدم آگاهی کشاورزان و اطلاع‌رسانی ضعیف، نبود پرسنل کافی، فقدان تخصص و کیفیت پایین ماشین‌آلات از موانع دستیابی بسیاری از تعاونی‌های موجود در کشور به موفقیت بوده است.

اورتمن و کینگ (۲۰۰۷)<sup>۷</sup>، شرایط کلان اقتصادی در جامعه، کیفیت انجمن‌های کشاورزان (مانند رهبری در آن‌ها و تواناثرگذاریشان بر تصمیم‌گیری‌ها) و سیاست‌های کلی حکومت‌ها نظیر علاقه‌ی دولت‌ها به تمرکززدایی را از عوامل مهم اثرگذار بر موفقیت شرکت‌های تعاونی و به‌طور کلی توسعه‌ی نهضت تعاون در جهان می‌دانند.

سوانسون (۲۰۰۸)<sup>۸</sup>، بر خورداری اعضای تعاونی‌ها از مهارت‌های رهبری، حسابرسی مالی، مدیریتی و سازمانی را به‌عنوان شرط لازم برای موفقیت و توسعه‌ی این سازمان‌ها برمی‌شمارد. از سوی دیگر، این محقق عقیده دارد که سازمان‌های غیردولتی، نهادهای کمک‌دهنده و کارگزاری‌های ترویج و توسعه نیز به واسطه‌ی تدارک و ارائه‌ی خدمات مختلف مادی و معنوی، می‌توانند در تشکیل و توسعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در جوامع روستایی در قالب تشکلهای مختلف کشاورزان به‌ویژه در مراحل مقدماتی شکل‌گیری آنان، سهم درخور توجهی داشته باشند.

بنابراین شناسایی عوامل مختلف اثرگذار بر وضعیت و موفقیت این تشکلهای مهم، مسئولان امر را در تعدیل و اصلاح برنامه‌های موجود بر اساس واقعیات یاری نموده و تدوین برنامه‌های آتی عرصه‌ی تعاون روستایی را به شکل اثربخش‌تر تا حد زیادی تسهیل خواهد نمود. از طرفی با توجه به شرایط متفاوت اقتصادی-اجتماعی مناطق مختلف کشور، لازم است که در هر منطقه، پژوهش‌های مستقلی در ارتباط با وضعیت شرکت‌های تعاونی روستایی و عوامل مؤثر بر آن صورت گیرد. بر این اساس، تحقیق حاضر با انتخاب شهرستان دشت آزادگان به‌عنوان منطقه‌ی جغرافیایی پژوهش، در صدد است تا عوامل مؤثر بر موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی این ناحیه را شناسایی نماید. عدم وجود سابقه‌ی تحقیقاتی مشخص در رابطه با موضوع تحقیق در

<sup>7</sup> Ortman & King, 2007

<sup>8</sup> Swanson, 2008

منطقه‌ی دشت آزادگان، از دیگر مواردی است که لزوم و ضرورت انجام تحقیق در این خصوص را مشخص می‌کند. در این راستا پژوهش سعی در پاسخ به پرسش‌های زیر را دارد:

- ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای اعضای این شرکت‌ها چه می‌باشد و چه شرایطی برای عضو شدن در آنها مورد نیاز است؟

- ارکان (مدیران عامل و اعضای هیئت مدیره) و سایر اعضای مطلع شرکت‌های تعاونی روستایی، عملکرد این تشکلهای (درجه‌ی موفقیت آنها) را چگونه ارزیابی می‌نمایند؟

- آیا بین (سن، سابقه‌ی فعالیت و سطح تحصیلات) ارکان و سایر اعضای مطلع شرکت‌های تعاونی روستایی و دیدگاه آنها نسبت به درجه‌ی موفقیت این تشکلهای رابطه‌ی آماری معنی‌داری وجود دارد؟

- از دید ارکان و سایر اعضای مطلع شرکت‌های تعاونی روستایی، کدام‌یک از متغیرهای مؤثر بر موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی منطقه‌ی مورد مطالعه از قدرت اثرگذاری بیش‌تری (تأثیر مثبت یا منفی) برخوردارند (اولویت‌بندی)؟

### هدف های تحقیق

هدف کلی این تحقیق، شناخت عوامل مؤثر بر موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی از دیدگاه ارکان و سایر اعضای مطلع از وضعیت این تشکلهای است که با توجه به اهداف ویژه‌ی زیر محقق خواهد شد:

۱. شناسایی ویژگی‌های شخصی و حرفه‌ای اعضای شرکت‌های تعاونی روستایی منطقه‌ی مورد مطالعه؛  
۲. بررسی میزان موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی از دید ارکان و سایر اعضای مطلع به این تشکلهای؛

۳. بررسی ارتباط آماری میان ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای ارکان و سایر اعضای مطلع به این تشکلهای و دیدگاه آنها نسبت به درجه‌ی موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی؛

۴. شناسایی متغیرهای اثرگذار بر موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی از دید ارکان و سایر اعضای مطلع به این تشکلهای؛

۵. اولویت‌بندی متغیرهای اثرگذار بر موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی از دید ارکان و سایر اعضای مطلع به این تشکلهای.

### روش پژوهش

تحقیق حاضر به لحاظ هدف، از نوع کاربردی و به لحاظ میزان نظارت، درجه‌ی کنترل و نحوه‌ی گردآوری داده‌ها، از نوع توصیفی- پیمایشی می‌باشد؛ همچنین به لحاظ افق زمانی، در زمره‌ی تحقیقات مقطعی قرار می‌گیرد. متغیر وابسته‌ی تحقیق «موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی» بوده و بر اساس مبانی نظری و

پژوهشی تحقیق، مجموعه‌ای گوناگون از متغیرهای مستقل در سه گروه انتخاب گردید: ۱. متغیرهای مربوط به مشخصات مختلف شرکت‌های تعاونی روستایی (هشت متغیر)؛ ۲. متغیرهای مربوط به ویژگی‌های (شخصی و حرفه‌ای) افراد نمونه‌ی مورد مطالعه (هفت متغیر) و در نهایت گروه آخر متغیرها، در رابطه با ۳. عوامل مؤثر بر موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی (۴۴ متغیر) که با توجه به اطلاعات به دست آمده از مطالعه‌ی نظری تحقیق و شرایط محلی موجود تدوین گردید. جمع‌آوری اطلاعات به روش سرشماری و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و پرسشنامه بود که به روش حضوری تکمیل شد. روایی پرسشنامه توسط استادان و متخصصین رشته‌ی ترویج و آموزش کشاورزی و برخی از کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی و همچنین پایایی آن با محاسبه‌ی میزان آلفای کرونباخ (۰/۷۰٪) تأیید گردید. جامعه‌ی آماری این تحقیق، شامل سه گروه: ۱. مدیرعامل‌های پنج شرکت تعاونی روستایی (به نام‌های: شرکت تعاونی روستایی سپاهان، تعاونی روستایی ساسان، تعاونی روستایی سده، تعاونی روستایی سبلان و تعاونی روستایی سند) در منطقه‌ی مورد مطالعه، ۲. اعضای هیئت مدیره‌ی این شرکت‌ها، ۳. مطلعان در دسترس که از امور جاری شرکت تعاونی روستایی خود اطلاعات خوبی داشتند (بنا به گفته‌ی دو گروه قبلی)، با جمعیت ۷۵ نفر. برای تعیین حجم نمونه‌ی آماری نیز از دو گروه اول، به صورت سرشماری و از گروه سوم جامعه، به صورت هدفمند و با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله‌ی برفی از هر شرکت تعاونی روستایی، ۱۰ نفر انتخاب شدند که این روش نمونه‌گیری با توجه به قابلیت دسترسی و امکانات موجود و همچنین نظرخواهی از مدیران شرکت‌های تعاونی روستایی صورت گرفت. که در نهایت حجم نمونه شامل: ۵۰ نفر (معادل ۶۶/۷ درصد) از افراد نمونه‌ی مورد بررسی عضو عادی تعاونی‌ها، ۲۰ نفر (معادل ۲۶/۷ درصد) عضو هیئت مدیره‌ی آن‌ها و ۵ نفر مدیرعامل شرکت‌های تعاونی روستایی بود. تحلیل داده‌های موردنظر با استفاده از روش‌های توصیفی، تحلیل همبستگی، تحلیل عاملی با کمک نرم‌افزار SPSS انجام گرفت.

## یافته‌ها

### ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای افراد نمونه‌ی مورد مطالعه

پنج شرکت تعاونی روستایی منطقه‌ی مورد مطالعه، با توجه به تاریخ تأسیس آن‌ها، قبل از پیروزی انقلاب و در جریان اقدامات کشوری پس از اجرای برنامه‌ی اصلاحات ارضی شکل گرفتند. میانگین سنی نمونه‌ی مورد مطالعه که همه مرد بودند، ۳۸/۲۴ سال و در طیف سنی ۲۶ تا ۵۷ سال بود. این اطلاعات نشان می‌دهد که حضور زنان در این شرکت‌ها، به چشم نمی‌خورد و هیچ زنی از ارکان تشکلیها (مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره) به عنوان عضو مطلع، معرفی نشده و از این رو مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. همچنین با توجه به میانگین سنی، اعضای نمونه‌ی مورد بررسی افرادی میان سال بوده‌اند. میانگین سابقه‌ی عضویت آن‌ها در تعاونی‌های روستایی، ۱۱/۴۱ سال بود که بیش‌ترین سابقه، ۲۹ سال و کم‌ترین سابقه، ۲ سال می‌باشد که با توجه به میانگین به دست

آمده، می‌توان گفت که به لحاظ مدت زمانی، افراد نمونه‌ی مورد بررسی، سابقه‌ی خوبی در شرکت‌های تعاونی روستایی داشتند. همچنین ۳۳ نفر (معادل ۴۴ درصد) از افراد کل نمونه، دارای تحصیلات زیردیپلم، ۳۱ نفر (معادل ۴۱.۳ درصد)، دارای مدرک تحصیلی دیپلم و ۱۱ نفر مدرک فوق دیپلم به بالا داشته‌اند؛ بنابراین با توجه به این‌که، اکثریت افراد دارای مدرک تحصیلی بالاتر از دیپلم بوده‌اند، وضعیت سواد در نمونه‌ی مورد بررسی از موقعیت خوبی برخوردار بوده است. در جداول (۱) توزیع فراوانی پاسخگویان از نظر ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای مشاهده می‌شود:

جدول ۱- توزیع فراوانی پاسخگویان از نظر ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای (n=۷۵)

| متغیر                                  | میانگین | واریانس | کمینه | بیشینه |
|--|---------|---------|-------|--------|
| سن                                     | ۳۸.۲۴   | ۴۵.۳۵   | ۲۶    | ۵۷     |
| سابقه‌ی عضویت در شرکت تعاونی روستایی   | ۱۱.۴۱   | ۳۴.۹۶   | ۲     | ۲۹     |
| تعداد سهام افراد در تعاونی‌های روستایی | ۳۲.۱۰   | ۵۷۲۶.۲۴ | ۱     | ۵۰۰    |

همچنین در خصوص تعداد سهام نمونه‌ی مورد مطالعه، ۴۲ نفر از کل نمونه به این پرسش پاسخ داده‌اند که میانگین تعداد سهام افراد، ۳۲.۱۰ بوده که با توجه به اطلاعات به‌دست آمده از تحقیق، سکونت در روستا و استقرار در حوزه‌ی فعالیت شرکت‌های تعاونی روستایی، تنها محدودیت موجود برای پذیرش عضویت افراد جدید در این شرکت‌ها بوده است.

#### توصیف نظرات افراد در خصوص میزان توفیق تعاونی‌ها در دستیابی به اهداف

از ۷۵ نفر نمونه‌ی مورد بررسی، ۴۰ نفر (معادل ۵۳.۳ درصد)، موفقیت شرکت خود را زیاد بیان نموده‌اند و ۷ نفر (معادل ۹.۳ درصد)، دستیابی شرکت به اهداف تعیین شده را در حد بسیار زیاد دانسته‌اند. سایر اطلاعات تکمیلی مربوط به این پرسش در جدول (۲) آمده است:

جدول ۲- توصیف نظرات افراد در خصوص میزان توفیق تعاونی‌ها در دستیابی به اهداف (n=۷۵)

| گویه           | فراوانی | درصد | درصد معتبر | درصد تجمعی |
|----------------|---------|------|------------|------------|
| اصلاً          | ۱       | ۱.۳  | ۱.۴        | ۱.۳        |
| بسیار کم       | ۲       | ۲.۷  | ۲.۷        | ۴.۱        |
| کم             | ۲۴      | ۳۲.۰ | ۳۲.۴       | ۳۶.۵       |
| متوسط          | -       | -    | -          | -          |
| زیاد           | ۴۰      | ۵۳.۳ | ۵۴.۱       | ۹۰.۵       |
| بسیار زیاد     | ۷       | ۹.۳  | ۹.۵        | ۱۰۰        |
| جمع            | ۷۴      | ۹۸.۷ | ۱۰۰        | -          |
| داده‌های گمشده | ۱       | ۱.۳  | -          | -          |

بر اساس این جدول، اکثریت قریب به اتفاق نمونه‌ی مورد بررسی، کارنامه‌ی عملکرد شرکت تعاونی خود را در مجموع، موفق ارزیابی کردند.

#### توصیف اولویت متغیرهای مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های روستایی از دید نمونه‌ی مورد بررسی

این قسمت، به تعیین دیدگاه افراد نمونه در خصوص نوع تأثیر (مثبت یا منفی) متغیرهای شناسایی شده بر موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی و اولویت‌بندی متغیرها از دید آن‌ها می‌پردازد. از ۴۴ متغیر ارائه شده به‌عنوان متغیرهای مؤثر بر موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی، کلیه‌ی افراد پاسخگو اثر ۱۸ متغیر را مثبت ارزیابی کردند. همچنین اکثریت افراد، اثر ۴ متغیر را بر موفقیت تعاونی‌ها، منفی دانستند. اثر سایر متغیرهای باقیمانده (۲۲ متغیر) نیز از نظر اکثریت افراد، مثبت ارزیابی شد که بر اساس نمرات اختصاص یافته از سوی پاسخگویان، اولویت اثرگذاری متغیرهای شناسایی شده که از طریق مطالعه‌ی ادبیات نظری تحقیق به‌دست آمده بودند، محاسبه شد. اطلاعات آماری در این خصوص در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳- اولویت متغیرهای مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های روستایی از دید افراد نمونه (n=۷۵)

| اولویت | واربانس | میانگین | متغیرها  |
|--------|---------|---------|--|
| ۱      | ۰.۴۷    | ۰.۱۳    | ارائه‌ی اعتبارات مناسب و کم‌بهره جهت حمایت از تعاونی‌ها      |
| ۲      | ۰.۴۹    | ۰.۰۹    | مسئولیت‌پذیری بالای مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره              |
| ۳      | ۰.۶۴    | ۰.۸۹    | تجربه‌ی عملی و اجرایی مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره            |
| ۴      | ۰.۵۵    | ۰.۸۷    | نظام اداری مناسب و نبود مقررات سخت‌گیرانه و غیرقابل انعطاف   |
| ۵      | ۰.۶۱    | ۰.۸۳    | برخورداری تعاونی از مدیران شایسته و باسواد                   |
| ۶      | ۰.۵۷    | ۰.۷۵    | به‌کارگیری ضوابط و مقررات مندرج در اساسنامه‌ی شرکت در عمل    |
| ۷      | ۰.۶۱    | ۰.۷۴    | تشکیل اتحادیه توسط شرکت‌های تعاونی روستایی                   |
| ۸      | ۰.۶۳    | ۰.۷۳    | جلوگیری از رشد منافع طبقاتی و سوءاستفاده‌ی خواص در تعاونی‌ها |
| ۹      | ۰.۵۶    | ۰.۷۲    | وجود اساسنامه‌ی دقیق و از هر لحاظ مورد قبول اعضا             |
| ۱۰     | ۰.۶۲    | ۰.۷۲    | وضعیت مناسب زیرساخت‌ها در جامعه‌ی روستایی                    |

در خصوص اولویت‌بندی متغیرهای مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های روستایی از دید نمونه‌ی مورد بررسی، می‌توان چنین بیان کرد که «ارائه‌ی اعتبارات مناسب و کم‌بهره جهت حمایت از تعاونی‌ها» با میانگین ۰.۱۳ و واربانس ۰.۴۷ در اولویت اول قرار دارد و باقی متغیرها همان‌طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود در اولویت دوم تا دهم قرار گرفتند. با دقت به این جدول، می‌توان اظهار داشت که پاسخگویان بیش‌تر بر مقوله‌ی مدیریت تعاونی‌های روستایی و حمایت مالی دولت از آن‌ها نظر داشتند. در عین حال، نقش‌های آموزشی- ترویجی و برگزاری دوره‌ها و همایش‌های مختلف در این زمینه، در مقایسه با سایر متغیرها از دید آن‌ها تأثیر چندانی بر موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی نداشته است.

۱۰ اولویت آخر متغیرهای اثرگذار بر موفقیت تعاونی‌های روستایی از دید افراد نمونه عبارت بودند از: نظام خدمات ترویج کشاورزی مناسب (اولویت آخر با ضعیف‌ترین تأثیر)، انجام تحقیقات در زمینه‌ی تعاونی‌ها

و شناسایی عوامل مؤثر بر موفقیت آن‌ها، تسهیل‌گری دولت در جهت ایجاد حس نیاز به تعاون در نواحی روستایی، آشنایی مروجان و سایر مسئولان با فلسفه و اهداف تعاون، برگزاری همایش‌ها، سمینارها و کنگره‌های تعاونی، تقویت ارتباط شرکت تعاونی با سایر بخش‌های جامعه، فرهنگ‌سازی به‌منظور تثبیت اندیشه‌ی تعاون از طریق رسانه‌های جمعی، درگیر کردن تعاونی‌های روستایی در مسائل سیاسی و حزبی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و کارورزی ویژه‌ی مدیران و پرسنل شرکت، و پیشرفت فناوری‌ها و علوم جدید در عرصه‌ی تولید محصولات کشاورزی (این ۱۰ متغیر از آخر مرتب شده‌اند).

### همبستگی میان متغیرهای فردی و دیدگاه افراد نسبت به سطح موفقیت تعاونی‌های روستایی

با توجه به اهداف مورد تحقیق و سؤالات مطرح شده، همبستگی برخی متغیرهای فردی و دیدگاه افراد نسبت به سطح موفقیت تعاونی‌های روستایی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن مورد آزمون قرار گرفت که نتایج آن را در جدول (۴)، ارائه شده است.

جدول ۴- نتایج همبستگی میان برخی متغیرهای فردی و دیدگاه افراد نسبت به سطح موفقیت تعاونی‌های

روستایی (n=۷۵)

| متغیرها                    | نوع ضریب همبستگی | مقدار ضریب                  | سطح معنی‌داری |
|----------------------------|------------------|-----------------------------|---------------|
| سن                         | پیرسون           | -۰.۲۲                       | ۰.۰۶          |
| سابقه‌ی عضویت              | پیرسون           | -۰.۲۷*                      | ۰.۰۲          |
| سطح تحصیلات                | رتبه‌ای اسپیرمن  | +۰.۴۲**                     | ۰.۰۰          |
| * معنی‌داری در سطح ۹۵ درصد |                  | ** معنی‌داری در سطح ۹۹ درصد |               |

نتایج حاصل نشان داد که بین متغیر سن افراد نمونه‌ی مورد بررسی و دیدگاه آن‌ها نسبت به موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی، ارتباط آماری معنی‌داری وجود ندارد اما در خصوص رابطه‌ی دو متغیر سابقه‌ی عضویت افراد در تعاونی‌ها و دیدگاه آن‌ها نسبت به موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی، ارتباط آماری معنی‌داری در سطح احتمال ۹۵ درصد وجود دارد که این رابطه، معکوس می‌باشد؛ به عبارت دیگر هر چه قدر سابقه‌ی عضویت یا حضور افراد در شرکت‌های تعاونی روستایی بیش‌تر بوده باشد، سطح کلی موفقیت این شرکت‌ها از دید آن‌ها، پایین‌تر است. همچنین نتیجه‌ی آزمون همبستگی میان دو متغیر سطح تحصیلات افراد و دیدگاه آن‌ها نسبت به موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی با استفاده از ضریب اسپیرمن نشان داد که میان آن

دو با ۹۹ درصد اطمینان، رابطه‌ی آماری مثبت و معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر هر اندازه سطح تحصیلات پاسخگویان بالاتر بوده است، سطح موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی را نیز بالاتر ارزیابی نموده‌اند.

### مقایسه میانگین میان اعضای و ارکان نسبت به سطح موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی

به منظور بررسی این سؤال که آیا بین دیدگاه اعضای عادی مطلع از وضعیت تعاونی‌های روستایی و ارکان آن‌ها در خصوص سطح موفقیت این شرکت‌ها، تفاوت آماری معنی‌داری وجود دارد یا خیر، از آزمون t مستقل استفاده گردید. اطلاعات این آزمون در جدول (۵) آمده است.

جدول ۵- نتایج مقایسه میانگین میان اعضای و ارکان نسبت به سطح موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی

(n=۷۵)

| سطح معنی‌داری | مقدار t                     | میانگین ارکان              | میانگین اعضا |
|---------------|-----------------------------|----------------------------|--------------|
| ۰.۰۰          | ۴.۰۵**                      | ۴.۱۲                       | ۳.۴۵         |
|               | ** معنی‌داری در سطح ۹۹ درصد | * معنی‌داری در سطح ۹۵ درصد |              |

نتیجه‌ی این آزمون نشان داد که بین میانگین پاسخ‌های ارائه شده توسط اعضای مطلع عادی تعاونی‌ها و ارکان آن‌ها (مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره) در خصوص سطح موفقیت این شرکت‌ها، با برخورداری از ۹۹ درصد اطمینان، تفاوت آماری معنی‌داری وجود دارد.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این تحقیق، پنج شرکت تعاونی روستایی واقع در محدوده‌ی شهرستان دشت آزادگان به نام‌های شرکت تعاونی سپاهان، ساسان، سده، سیلان و سهند مورد بررسی قرار گرفتند که جزء اولین شرکت‌های تعاونی روستایی در کشور بودند که در جریان نهضت اصلاحات ارضی شکل گرفته بودند. تمامی افراد نمونه‌ی مورد بررسی، مرد بودند که تلویحاً حکایت از آن دارد که احتمالاً، زنان منطقه‌ی مورد بررسی چندان در جریان امور تعاونی‌ها قرار نداشته و مشارکت فعالی در امور تعاونی‌ها نداشتند. سابقه‌ی عضویت افراد نمونه، به لحاظ مدت زمانی و با میانگین ۱۱.۴۱ سال، سابقه‌ای قابل قبول در شرکت‌های تعاونی روستایی بود که این افراد می‌توانستند نظرات خوبی در زمینه‌ی سؤالات طرح شده، ارائه نمایند. با توجه به آمار، اکثریت افراد نمونه، مدرک تحصیلی بالاتر از دیپلم داشتند که می‌توان گفت منطقه از نظر سطح سواد روستاییان، در وضعیت خوبی قرار دارد. در مورد متغیر سهام هم، ۳۳ نفر از ۷۵ نفر نمونه، به دلایل نامشخص به سؤال مربوطه پاسخی ندادند. در عین حال با توجه به اطلاعات به دست آمده، میانگین تعداد سهام افراد، ۳۲.۱۰ سهم بود که در محدوده‌ی ۱ تا ۵۰۰ سهم قرار

داشت. این موضوع حکایت از آن داشت که توزیع سهام در پنج تعاونی روستایی مورد بررسی، به‌طور مساوی صورت نگرفته است.

همچنین با توجه به اطلاعات گردآوری شده، سکونت در روستا و استقرار محل زندگی افراد در حوزه‌ی جغرافیایی فعالیت شرکت‌های تعاونی روستایی، تنها محدودیت موجود برای پذیرش عضویت اعضای جدید بود. این یافته نیز مؤید آن است که تعاونی‌های روستایی برخلاف شرکت‌های تعاونی تولید روستایی، بیش‌تر بر هدف خدمات‌رسانی به روستاییان متمرکز هستند تا امور تولیدی، و مالکیت ابزار تولید مانند زمین برای اعضای آن‌ها، الزامی نیست.

با توجه به یافته‌های حاصل از نظرات افراد نمونه در خصوص نوع تأثیر متغیرهای شناسایی شده و اولویت‌بندی آن‌ها، می‌توان اظهار داشت که تأثیر برخی از متغیرها بر موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی، نسبی است و یک متغیر خاص که در جایی عامل اثرگذار منفی به‌شمار می‌رود، ممکن است در شرایط خاص زمانی و مکانی دیگر عامل مثبتی به‌حساب آید.

همچنین با توجه به ۱۰ اولویت برتر متغیرهای شناسایی شده‌ی اثرگذار بر موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی از دید افراد نمونه، پاسخگویان بیش‌تر بر مقوله‌ی مدیریت تعاونی‌های روستایی و حمایت مالی دولت از آن‌ها نظر داشتند که مؤید یافته‌های تحقیق سوانسون (۲۰۰۸) می‌باشد.

ازکیا (۱۳۸۱)، عدم توجه به آموزش و ترویج کشاورزی را به‌عنوان یکی از مسائل برون‌سازمانی مؤثر در عدم موفقیت تعاونی‌های روستایی برشمرد ولی پاسخگویان در تحقیق حاضر، خلاف این امر را اذعان داشتند؛ آن‌ها نقش آموزش و ترویج کشاورزی را در موفقیت تعاونی‌های روستایی، کم‌اهمیت می‌دانند. در واقع نقش‌های آموزشی-ترویجی و برگزاری همایش‌ها و دوره‌های مختلف در مقایسه با سایر متغیرها از دید پاسخگویان مورد بررسی، تأثیر چندانی بر موفقیت این شرکت‌ها نداشته است.

این در حالی است که بر اساس فلسفه‌ی تعاونی‌ها که نوعی سرمایه‌ی اجتماعی به‌شمار می‌روند، اعضای تشکل باید از طریق خرید سهام و سرمایه‌گذاری، خودشان منابع مالی مورد نیاز تعاونی را فراهم آورند و وابستگی به کمک‌های مالی مستقیم خارج از تشکل، یکی از عوامل منفی اثرگذار بر موفقیت شرکت‌های تعاونی به‌شمار می‌رود که این امر مؤید یافته‌های تحقیق رضایی‌مقدم و قیصری (۱۳۸۹) می‌باشد. افزون بر این، ادامه‌ی حیات و موفقیت هر سازمانی از جمله تعاونی‌های روستایی، به کیفیت پرسنل و منابع انسانی آن سازمان وابسته است و ظرفیت‌ها و توانایی‌های سرمایه‌ی انسانی، مستقیماً در گروهی نظام فرهنگی و آموزشی است. در این میان نظام خدماتی ترویج کشاورزی، رکن اساسی تدارک آموزش‌های غیررسمی و ابزار فرهنگ‌سازی در مناطق روستایی کشور به‌شمار می‌رود و این در حالی است که از دید اعضای تشکل‌های مورد بررسی، این عامل در اولویت آخر اثرگذار بر موفقیت تعاونی‌های روستایی قرار گرفته است. علاوه بر آن سایر خدمات و برنامه‌های آموزشی نظیر: برگزاری همایش‌ها، سمینارها و کنگره‌های تعاونی، فرهنگ‌سازی به‌منظور تثبیت

اندیشه‌ی تعاون و برگزاری کارگاه‌های آموزشی و کارورزی ویژه‌ی مدیران و پرسنل شرکت‌ها نیز از دید افراد نمونه، جزء اولویت‌های ضعیف اثرگذار بر موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی بودند. بر این اساس تأکید ادبیات نظری جهانی بر ضرورت و اولویت بالای آموزش در موفقیت تعاونی‌های روستایی و کشاورزی از یک طرف و ارزیابی نمونه‌ی آماری از متغیرهای مرتبط با آن به‌عنوان اولویت‌های ضعیف در تعیین درجه‌ی توفیق تشکل‌های مورد بحث از طرف دیگر، حکایت از آن دارد که نیاز به آموزش برای افراد نمونه، چندان محسوس نبوده است و آن‌ها بیش‌تر بر موارد ملموس‌تر تأکید داشتند.

همچنین با توجه به عدد میانگین نظرات دو گروه (مطالعات: ۳.۴۵ و ارکان: ۴.۱۲) در خصوص میزان توفیق تعاونی‌ها در دستیابی به اهداف، می‌توان نتیجه گرفت که یا اعضای مطلع، اطلاعات کمتری در خصوص موفقیت‌ها و دستاوردهای تعاونی خویش داشتند یا ارکان تشکل‌ها به دلایل مختلف، با سوگیری به این سؤال پاسخ داده‌اند تا درجه‌ی تعاونی خویش را بالاتر از حد واقعی بیان نمایند.

حال با توجه به نتایج به‌دست آمده می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه نمود:

- ایجاد زمینه‌ی لازم برای حضور جوانان و زنان در عرصه‌ی فعالیت‌های تعاونی‌های روستایی و مشارکت فعال آن‌ها در امور اجرایی این تشکل‌ها؛
- پرهیز نهادهای دولتی از دخالت مستقیم در امور داخلی شرکت‌های تعاونی روستایی نظیر انتخاب مدیرعامل و غیره جهت وارد نشدن اعضای این تشکل‌ها در مسائل سیاسی و حزبی؛
- رشد و توسعه‌ی بخش خصوصی همراه با دقت، احتیاط و وسواس بالا در منطقه (چراکه برخی از ارکان تعاونی‌های روستایی معتقدند در صورت واگذاری اموری نظیر: توزیع نهاده‌ها به بخش خصوصی و حذف کالابرها، شرکت‌های تعاونی روستایی دیگر جایگاه چندانی در منطقه‌ی مورد بررسی ندارند)؛
- فراهم کردن زمینه‌ی انتخاب افراد باتجربه و مسئولیت‌پذیر در کادر مدیریتی تعاونی‌های روستایی منطقه از طریق اطلاع‌رسانی و آگاهی دادن به اعضاء در خصوص اهمیت نقش مدیران تعاونی در موفقیت این تشکل‌ها؛
- پرداختن نظام ترویج کشاورزی به‌طور جدی‌تر به آموزش اصول و فلسفه‌ی تعاونی‌ها در منطقه و به طرق مختلف (نظیر: همکاری نظام ترویج با رسانه‌های جمعی: رادیو و تلویزیون محلی، برگزاری دوره‌های آموزشی مرتبط با مسائل حقوقی و قانونی برای ارکان تعاونی‌های روستایی به‌ویژه مدیران عامل)؛

## منابع

- از کیا، م. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران. تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ ششم، ۱۳۸۱.

- امیرانی، م. و ه. ظریفیان. (۱۳۸۴). «نقش سازمان‌های غیردولتی در روند ترویج و توسعه‌ی روستایی». ماهنامه‌ی علمی جهاد. شماره ۲۵۷، خرداد و تیر ۱۳۸۲. صص: ۱۱۲-۱۰۰.
- رضایی‌مقدم، ک. و ح. قیصری. (۱۳۸۷). «نقش تعاونی‌های تولید روستایی در کشاورزی پایدار». قابل دسترسی در:

<http://www.tafahomnew.com/>

- طالب، م. (۱۳۸۲). اصول و اندیشه‌های تعاونی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
- فاضلی‌بیگی، م. (۱۳۸۸). «تعاون روستایی سرآغازی بر کارآفرینی و توسعه‌ی ملی». قابل دسترسی در:

<http://www.sociologyofiran.com/>

- Bratton, M. (2006). "Farmer Organization and Food Production in Zimbabwe". Retrieved July 10 2009. Available in: <http://www.sciencedirect.com/science/>
- Ortmann, G. F., R. P. King. (2007). "Agricultural Cooperatives I: History, Theory and Problems". Available in: <http://www.informaworld.com/>
- Prakash, Daman. (2003). "Development of Agricultural Cooperatives Relevance pf Japanese Experiences to Development Countries". Rural Development and Management Centre, February 2003. Available in: [http://www.uwcc.wisc.edu/info/intl/daman\\_japan.pdf](http://www.uwcc.wisc.edu/info/intl/daman_japan.pdf)
- Swanson, B. E. (2008). "Global Review of Good Agricultural Extension & Advisory Services Practices". Food & Agriculture Organization of the United Nations. Rome. 2008. Retrieved Dec 15 2009. Available in: <http://www.fao.org/>